

شعر به عمل نمی‌آورند. چرا؟ شاید به این دلیل که آنها این کتابها را مناسب سن خود نمی‌دانند و یا نمی‌توانند با این کتابها ارتباط برقرار کنند. این پرمی‌گردد به ضعف کیفی شعرها و عدم رعایت اصول صحیح شعر کودک از سوی شاعران؛ که این موضوع، نیاز به بحثی گسترده دارد و در این مجال نمی‌گنجد.

### پاسخ ج:

کتابهای بازاری و ترانه‌ای-در تعداد وسیع- مثل کتابهای شعر حسنی، بازار کتاب شعر را اشباع کرده‌اند. چرا تعداد این کتابها زیاد شده است؟ زیرا فروش این کتابها خوب است. چرا که خرج زیلا چاپ کتابهای چهاررنگ و بالا رفتن قیمت پشت جلد درباره اینگونه کتابها مصداق پیدا نمی‌کند. فروش خوب این گونه کتابها ناشران را تشویق به انتشار هرچه بیشتر آنها می‌کند. چرا این گونه کتابها فروش خوبی دارند؟ زیرا بدلیل داشتن موسیقی و نیز تصاویری با رنگهای شاد و تند و مشتری‌پسند کودکان را به سوی خود می‌کشاند. علاقه کودکان به این کتابها، علاقه ناشر را در پی آورده و به تبع علاقه ناشر، اغلب شاعران-که همواره محتاج‌ناتند، ناخواسته به این قضیه دامن می‌زنند.

البته ممکن است پاسخهای دیگری هم برای این سؤال وجود داشته باشد ولی مهمترین پاسخها همین سه مورد هستند که هر کدام نیز نیاز به بحثی گسترده و مبسوط دارند. ما فعلا با پاسخهای اول و دوم کاری نداریم. پس جا دارد که پیش از آنکه به نقد کتاب «چاقاله بادوم تنبل، رفته کلاس اول» بپردازیم و به شباهتها و تفاوتهای آن با کتابهای مشابه موجود در بازار اشاره کنیم، شمعی از کتابهای ظاهرا ترانه‌ای و هجایی و... بگوئیم که بازار کتاب شعر را اشباع کرده‌اند.

مهمترین ویژگی شعرهای هجایی و ترانه‌ای که سرچشمه اصلی آنها، شعرهای عامیانه مردمی است - موسیقی کلامی می‌باشد. شاعران در سرودن این گونه شعرها، بیشتر روی موسیقی تکیه دارند تا مفهوم و پیام شعر و یا شعریت شعر. اینگونه شعرها از اصول شعر، فقط موسیقی ظاهری شعر را در خود دارند. البته این موسیقی هم که گفتیم، فقط در شعرهای ترانه‌ای موفق دیده می‌شود. چرا که در اغلب کتابهای شعر ترانه‌ای و هجایی که در بازار موجود است فقط وزن و قافیه دیده می‌شود. به جز چند کتابی که از سوی شاعران بنام شعر کودک سروده شده‌اند که گاه در بعضی از آنها، موسیقی سهم بیشتری دارد...

عنصر موسیقی و قافیگاری در شعرهای عامیانه مردمی - شعرهایی مثل مثل توتوله - بزرگترین عامل موفقیت نزد کودکان است. کودکان می‌توانند باین شعرها بازی کنند آواز بخوانند و از خواندن آنها لذت ببرند. وزن بیشتر این شعرها هجایی است که گاه وزن عروضی هم در آنها دیده می‌شود اما شعر هجایی خوب و موفق و بی اشکال، شعری است که سرلایا وزن هجایی داشته باشد.

شعر هجایی و ترانه‌ای، همواره زبان محاوره‌ای و گفتاری را می‌طلبد. هرچند که با زبان سالم نیز می‌توان شعرهای هجایی و ترانه‌ای سرود؛ اما زبان گفتاری برای جذب کودکان مؤثرتر است چرا که کودکان وقتی شعری را با زبان گفتاری روزمره‌شان می‌شنوند زودتر با آن ارتباط برقرار می‌کنند و آسانتر آن را حفظ می‌کنند. اینکه می‌گوئیم «می‌شنوند» به این جهت است که اصولاً شعرهای هجایی و ترانه‌ای جزو ادبیات شفاهی محسوب می‌آیند و کودک از طریق شنیداری و بلندخواندن آنها بیشتر لذت می‌برد. باید توجه داشت که شعرهای ترانه‌ای و هجایی فقط و فقط برای کودکان پیش‌دبستانی و نهایتاً کودکان کلاس اول ابتدایی سروده می‌شوند چرا که این گروه سنی قادر به خواندن نیستند و پدرها و مادرها و مربیان این اشعار را برای آنها می‌خوانند. البته برخلاف این اصل، بیشتر کتابهای موجود در بازار برای بچه‌های دبستانی منتشر شده‌اند، یعنی کتابهایی هستند که کودکان باید خودشان آنها را بخوانند.

## چهره دیگر شعر کودک

به بهانه نقد کتاب چاقاله بادوم تنبل، رفته کلاس اول

○ جعفر ابراهیمی (شاهد)

- عنوان کتاب: چاقاله بادوم تنبل، رفته کلاس اول
- شاعر: ناصر کشاورز
- تصویرگر: نیلوفر میرمحمدی
- ناشر: کتابهای بنفشه
- نوبت چاپ: اول- ۱۳۷۸
- شمارگان: ۱۶۵۰۰ نسخه
- تعداد صفحات: ۱۶ صفحه
- بها: ۲۰۰ تومان



شخصیت شعرهای کتاب و موضوعات شعرها به گونه‌ای است که خواننده انتظاری طبیعی دارد که شخصیت این شعرها یک پسر بچه باشد، در حالی که دختر است و تصاویر کتاب نیز مؤید این قضیه است

رکود شعر کودک و کتابهای شعر برای کودکان در دهه‌های بر هیچ یک از شاعران، نویسندگان، ناشران و دست‌اندرکاران ادبیات کودک و نوجوان پوشیده نیست. حتی صلی اعتراض مخاطبان گروههای سنی کودک و نوجوان نیز از این رکود درآمده است. این عارضه باعث شده است که شعر کودک چهره دیگری پیدا کند چهره‌ای وارونه. به راستی، دلیل یا دلایل رکود شعر کودک در سالهای اخیر چیست؟

برای این سؤال، یک پاسخ مشخص و روشن و کامل و یا یک دلیل خاص وجود ندارد؛ بلکه شاید پاسخهای متعددی در کنار هم بتوانند پاسخی منطقی و قابل قبول برای این سؤال باشند.

### پاسخ الف:

ناشران استقبالی از کتابهای شعر نمی‌کنند. چرا برای اینکه اغلب کتابهای شعر، همراه با تصویرهای رنگی چاپ می‌شود و چاپ کتابهای چهاررنگ هزینه‌مالي زیادی را در بر می‌گیرد و قیمت پشت جلد کتاب بالا می‌رود و در نتیجه کتاب به آسانی فروش نمی‌رود.

### پاسخ ب:

کودکان و نوجوانان - به طور کلی - استقبالی از کتابهای

گفتیم که زبان گفتاری در شعرهای هجایی و ترانه‌ای باعث می‌شود که کودکان شعرها را بهتر بفهمند و زودتر با آنها ارتباط برقرار کنند اما شاعران باید در استفاده از زبان محاوره‌ای نهایت دقت را داشته باشند و در این کار به افراط نینهند. افراط در استفاده از زبان گفتاری باعث می‌شود که بسیاری از کودکان شهرستانی و روستایی نتوانند با زبان شعر ارتباط برقرار کنند چرا که لهجه عموم این شعرها لهجه تهرانی است. شاعران اینگونه شعرها، خواسته یا ناخواسته فقط برای پیچهای تهرانی شعر هجایی و ترانه‌ای می‌سرایند. بعضی از واژه‌ها و اصطلاحات محاوره‌ای را همبجهای ایران می‌توانند بفهمند. مثلا فعل «باشه» بجای «باشد» و یا «داره» به جای «دارد» و یا «آسمون» به جای «آسمان» و «هارون» به جای «هاران» و «خونه» به جای «خانه» و نظایر آن را همه بجههای ایرانی می‌فهمند ولی کلمه‌هایی مانند «هت» به جای «هتل» و «هونوخ» به جای «هون وقت» و «آن وقت» و یا کلمه «تس» به جای «تست» یا «شه» به جای «هشه» و «باشد» و نظایر آن برای بسیاری از بجهها غیر قابل فهم است. البته مثالهایی که در اینجا آورده‌ایم شاید بحدستی حق مطلب را ادا نکنند اما در آثار شعری هجایی ترانه‌ای، گاهی واژه‌هایی دیده می‌شوند که حتی آدم بزرگهای تهرانی هم از فهم آنها عاجزند!

حال ببینیم آقای ناصر کشاورز، در کتاب «چاقاله بادوم» تئیل، رفته کلاس اول» تا چه اندازه در سرودن شعر هجایی موفق بوده است

با نگاه به جلد عنوان کتاب و شکل و شمایل آن خواننده حس می‌کند که شاعر خواسته است مجموعه شعری هجایی و ترانه‌ای بسراید که شباهتی به کتابهای حسنی نداشته باشد و لابد برای همین هم بجای «حسینی» از نام «چاقاله بادوم» استفاده کرده است. اما عنوان کلی کتاب و بخصوص بخش دوم آن - رفته کلاس اول - خواننده را بی‌اختیار به یاد حسنی می‌اندازد که بارها و بارها به کلاس اول رفته است!

مورد دیگری که در نگاه اول به چشم می‌خورد این است که شخصیت شعرهای کتاب و موضوعات شعرها به گونه‌ای است که خواننده انتظاری طبیعی دارد که شخصیت این شعرها یک پسر بچه باشد در حالی که دختر است و تصاویر کتاب نیز مؤید این قضیه است. اما همه کارهای چاقاله نشان می‌دهد که او یک پسر است. فقط در یکی دو مورد شاعر به طور غیر مستقیم اشاره به دختر بودن شخصیت چاقاله بادوم می‌کند و لابد همین اشارات باعث شده است که تصویرگر محترم کتاب، شخصیت شعرها را به صورت دختری بچگی تصویر کند که در کارش هم تا اندازه‌ای موفق بوده است.

در صفحه شناسنامه کتاب، توضیح ناشر درباره «چاقاله بادوم» و «چاقاله بادوم» و نیز معرفی شخصیت شعرها کاملا نابجاست و زاید به نظر می‌رسد.

اینها نکاتی هستند که با نگاه اول به کلیت کتاب به چشم می‌خورند. اما بپردازیم به شعرهای کتاب.

در این مجموعه ده شعر در وزنهای هجایی و ترانه‌ای آمده است که با زبان محاوره‌ای و گفتاری سروده شده‌اند. موضوعات کتاب از تنوعی جالب و چشمگیر برخوردارند. گرچه شاعر کوشیده است در تک تک شعرها، شخصیت اصلی چاقاله بادوم را نشان دهد و در همه شعرها بچگی شکمو و تئیل را به تصویر بکشد اما تنوع موضوعی را نیز حفظ کرده است.

کتاب چاقاله بادوم تئیل، رفته کلاس اول از آنجا که سروده یکی از شاعران بنام شعر کودک است، طبیعی است که از اشکالاتی که در شعرهای هجایی ترانه‌ای موجود در بازار مشهود است، کمتر برخوردار باشد. اصولاً شعرهای این کتاب از آن جهات، چندان اشکالی ندارند اما ضعفهایی از باب زبان و بیان و کاربرد بعضی کلمه‌ها و گاه استفاده از قافیه‌های تکراری در آنها بیشتر دیده می‌شود.

در شعر اول، ضعفهایی در بیان دیده می‌شود. مثلا در بند دوم این شعر می‌خوانیم:

اول صبح پا می‌شه

می‌شوره دست و پاشو

خودش دیگه می‌پوشه

کفشهاشو یا روپوشو

وقتی قرار شود بگویم می‌پوشه کفشهاشو، به ناچار باید بگویم: «می‌پوشه روپوشو». اگر این مصراع بهتر نوشته شود ضعف آن بیشتر به چشم می‌خورد:

دیگر خودش می‌پوشد کفشهایش را و روپوش را

در بند چهارم می‌خوانیم:

یادش می‌ره تو کیفش

بذاره دفتراشو

کتاب، مداد و پاک‌کن

حتی مداد تراشو

که کاربرد کلمه «حتی» زاید به نظر می‌رسد و بیشتر جنبه وزن‌پرکنی دارد و حشو. همچنین است کلمه بیچاره در بند بعدی این شعر:

تو مدرسه تا کیفو

باز می‌کنه بیچاره

می‌بینه جز کلوجه

هیچی تو کیف نداره

که پیداست «بیچاره» فقط به خاطر مشکل قافی‌یوارد شعر شده است

وزن در مصراع سوم در بند اول شعر «بابا به من انار داد» روان نیست:

چاقاله توی اتاق بود

با دفتر و کتاباش

مشقاشو داشت می‌نوشت

افتاد به یاد باباش

البته پیداست که شاعر نخواسته است کلمه داشت را به صورت «ناش» استفاده کند که اگر این کار را می‌کرد دچار افراط در استفاده از زبان محاوره‌ای می‌شد.

در بند دوم همین شعر می‌خوانیم:

دید تو کتاب نوشته

بابا به من انار داد

زود رفت و گفت به باباش

با جیغ و داد و فریاد

ضمن آنکه مفهوم شعر در پایان بند تمام نشده است و ادامه مفهوم به بند بعدی موکول شده مصراع آخر کلیشهای است و وزن‌پرکن و در عین حال، غیرطبیعی از باب محتوا.

شعر بابا انار داد، اگرچه نکات تازه‌ای دارد اما در کل، کودکانه نیست و بیش از آنکه فکر کودکانی داشته باشد فکر بچه‌گانه‌ای دارد. در واقع از آن موضوعات است که بیشتر ما بزرگترها برای کودکان می‌سازیم و گمان می‌کنیم که کودکان استه در حالی که نیست. مفهوم شعر چنین است که کودک در کتاب درس می‌خواند بابا انار داد می‌رود پیش پدر و البته با جیغ و داد و فریاد که برای من انار بخر و اگر نخوری، این کارت خیلی زشت است، چون توی کتاب نوشته است. پدر می‌گوید «باشد اگر چه پول ندارم، ولی می‌خرم، اما اگر نمره بیست نگیری، باباتو درمی‌آرم»

در شعر گل‌بازی، بند دوم آمده است:

این توپ شده برایش

مثل یه دونه کاسه

که «برایش» وزن عروضی دارد و باید به صورت برایش می‌آمد. همین‌طور در بند سوم آمده است:

با این گلهای می‌سازه

کاسه و دیگ و بشقاب

که بجای بود گلهای هم به صورت «گلا» آورده شود، چراکه وقتی قرار می‌شود زبان به کلی محاوره‌ای شود، دلیلی ندارد که

«هراش» به صورت «برایش» و «گلا» به صورت «گلهای» آورده شود. در شعر «کیف چاقاله بادوم» اصطلاح «ضرب و زور» و «مویز» به هیچ‌وجه کودکانه نیستند.

بند اول:

چاقاله بادوم صبح که می‌ره

به مدرسه با ضرب و زور

بند دوم:

دوست داره کیفشو پر از

کلوجه و مویز کنه

در شعر «درختهای گردو» که از پنج بند تشکیل شده شاعر در سه تا از بندهای شعر از قافیه‌های یکسان استفاده کرده است.

بند اول:

چاقاله بادوم تو دستش

یه دونه گردو داره

امروز می‌خواد تو باغچه

اون گردو رو بکاره

بند دوم:

می‌گه: آگه من امسال

این گردو رو بکارم

چند سال دیگه تو باغچه

درخت گردو دارم

بند چهارم:

گردوها که در اومد

باز همه رو می‌کارم

چند سال دیگه هزار تا

درخت گردو دارم

### در اغلب کتابهای شعر ترانه‌ای

وهجایی که در بازار موجود است، فقط وزن و قافیه دیده می‌شود

### شعرهای ترانه‌ای و هجایی فقط و فقط

برای کودکان پیش دبستانی و نهایی تا کودکان کلاس اول ابتدایی سروده می‌شوند

و حرف آخر اینکه، این کتاب تفاوتی بسیار اساسی با کتابهای ترانه‌ای و هجایی دیگر دارد و آن این است که همه شعرهای این کتاب از موضوعی شاعرانه برخوردارند و صرف نظر از ضعفهای جزئی، هر کدام از آنها به تنهایی، شعری کودکانه به حساب می‌آیند و اگر این شعرها با زبان سالم سروده می‌شدند، بی‌شک جزو شعرهای ناب کودکان به‌شمار می‌آمدند.

این مورد در این کتاب قابل توجه است چرا که در بیشتر شعرهای هجایی و ترانه‌ای شاعران، به جنبه شاعرانگی شعرها توجهی ندارند و یا کمتر توجه دارند، ولی شعرهای این کتاب همگی شعر هستند و این از هر چیزی مهمتر است.

همچنین قابل ذکر است که شاعر در کاربرد قافیه‌های گاهی بسیار موفق بوده و قافیه‌های جالب و خوبی به همراه ردیف در بعضی از شعرهای این کتاب آورده است که بد نیست به نمونه‌ای از آن در پایان این بحث اشاره کنیم:

چاقاله می‌خواد تو خونِه

ریاضی یاد بگیره

دلش می‌خواد از این درس

نمره زیاد بگیره!